زینالی تازه کندی، مهدی؛ نوکاریزی، محسن، بهزادی، حسن (۱۳۹۹). تحلیلی بر رویکرد پراگماتیستی از مفهوم ربط در بازیابی اطلاعات. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۰ (۲)، ۴۹-۳۰.
DOI: 10.22067/infosci.2021.23409.0

تحلیلی بر رویکرد پراگماتیستی از مفهوم ربط در بازیابی اطلاعات

مهدی زینالی تازه کندی[۱]، محسن نوکاریزی[۲]، حسن بهزادی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱ نوع مقاله : مروری

چکیده

مقدمه: در این مقاله قصد آن است تا فلسفه پراگماتیستی به اختصار معرفی و رویکردی پراگماتیستی از مفهوم ربط در بازیابی اطلاعات توصیف و تحلیل شود.

روش‌شناسی: این یک مقاله تحلیل مفهومی است که از نظریه فعالیت و مرور متون استفاده شده است تا آنچه در عمل اتفاق می‌افتد تا فرد نیازمند به اطلاعات، بتواند نیاز اطلاعاتی خود را رفع نماید، تشریح شود. نظریه فعالیت یک نظریه جامع است که با استفاده از آن رویکرد پراگماتیستی از مفهوم ربط تبیین می‌شود.

یافته‌ها: رویکرد نظام‌گرایی از مکتب فلسفی پوزیتویستی و رویکرد کاربرگرایی از مکتب فلسفی هرمنوتیکی برخاسته است. از دیدگاه ساراسویک (۲۰۰۷)، یورلند (۲۰۱۰) و هوانگ و سوئرگل (۲۰۱۳) پژوهش‌هایی در ارزیابی بازیابی اطلاعات (ربط) موفق خواهند بود که از هر دو رویکرد نظام‌گرایی و کاربرگرایی بهره برده باشند. به بیان دیگر، پژوهش‌هایی که در آن‌ها به مفهوم ربط از تمامی جنبه‌ها توجه شود. پراگماتیست‌ها استدلال کردند که دوگانگی کاذب بین دو رویکرد کمی و کیفی وجود دارد و می‌توان دو رویکرد کمی و کیفی را با هم ترکیب کرد که این ترکیب با تأکید بر عمل صورت می‌گیرد. مطابق مکتب پراگماتیستی مدرکی که مورد استفاده (برای مثال در نوشتن مقاله، منظور استناد است) قرار می‌گیرد، مدرک مرتبط است. از یک‌سو، می‌توان مدرک الف را به وظیفه یک مرتبط دانست، اگر مدرک الف بتواند فرد را برای رسیدن به هدف خود یاری کند و نیاز اطلاعاتی او را پاسخ دهد. از سویی دیگر، آن مدرک از لحاظ ویژگی‌های ظاهری و باطنی مطابق خواست فرد نیازمند به اطلاعات، مورد پذیرش فرهنگ جامعه مورد نظر و قابل‌دسترس برای فرد نیازمند به اطلاعات باشد. به بیانی دیگر، مدرکی که در عمل نیاز اطلاعاتی را برطرف می‌کند، مدرک مرتبط است.

نتیجه: ربط مفهومی پیچیده است و عوامل مختلفی بر برونداد نهایی ربط تأثیر می‌گذارند. از این‌رو با وجود پژوهش‌های متعدد

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ma.zeynali@mail.um.ac.ir

۲. استاد علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، mnowkarizi@um.ac.ir

۳. استادیار علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، hasanbehzadi@um.ac.ir

در مفهوم ربط، بازهم نیاز به پژوهش‌های بیش‌تری در این موضوع احساس می‌شود. درنهایت می‌توان گفت که تأمل درباره فلسفه علم برای درک مفهوم ربط، الزامی است براساس اینکه آیا هدف علم توصیف آنچه در عمل اتفاق می‌افتد و برای ما به‌آسانی قابل‌مشاهده است، می‌باشد یا علم باید آنچه را که به آسانی قابل‌مشاهده نیست، توضیح داده و آن‌ها را تعیین نماید.

کلیدواژه‌ها: ربط، اطلاع‌یابی، بازیابی اطلاعات، فلسفه، پراگماتیسم، نظریه فعالیت

مقدمه و بیان مسئله

ارزیابی، قضاوت درباره یک کار، فکر، راه‌حل، روش و بسیاری از چیزهای دیگر در راستای اهداف است که از معیارهای استاندارد استفاده می‌شود تا میزان دقت، تأثیر، مقرون‌به‌صرفگی و رضایت‌بخش بودن موارد ذکرشده معین گردد (Fitzgerald & Galloway, 2001). در واقع، ارزیابی به مفهوم تعیین عملکرد و ارزش نظام، محصول و راهبرد به‌شمار می‌رود که به‌عنوان یک ضرورت مهم در علم، فناوری و بسیاری از حوزه‌های دیگر پذیرفته‌شده است (Saracevic, 1995) و فرآیندهای تصمیم‌گیری و مشورتی مهم به‌دنبال قضاوت‌های ارزیابانه پیش می‌آیند. از این‌رو، ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات حائز اهمیت فزاینده‌ای است.

در پژوهش‌های ارزیابی بازیابی اطلاعات (ربط) نظیر کارهای بوکستین[۱] (۱۹۷۹)، سوانسون[۲] (۱۹۸۶)، بورلاند[۳] (۲۰۰۳)، باد[۴] (۲۰۰۴)، یارولین[۵] (۲۰۰۷)، یورلند[۶] (۲۰۱۰)، هوانگ و سوئرگل[۷] (۲۰۱۳)، کیانی (۱۳۹۱)، قبادپور، فدائی، و ثابت‌پور (۱۳۹۳) از دو رویکرد نظام‌گرا (کمی) و کاربرگرا (کیفی) یاد شده است.

ساراسویک[۸] (۲۰۰۷) اظهار می‌کند که پژوهشگران طرفداران رویکرد نظام‌گرا و طرفداران رویکرد کاربرگرا هر دو طرف در نبردشان شکست‌خورده هستند. دروین و نیلان[۹] در اینکه فقط رویکرد کاربرگرا را انتخاب کردند، در اشتباه‌اند و طرفداران نظام‌گرایی اشتباهشان در نادیده‌گرفتن طرف کاربرگرایی است. افزون بر ساراسویک، یورلند (۲۰۱۰) نیز در نقد از دیدگاه نظام‌گرایی می‌افزاید که آزمایش‌های کران‌فیلد را نمی‌توان به‌عنوان رویکردی از ربط تلقی کرد و در ادامه می‌افزاید چگونه رویکرد نظام‌گرایی را نقد کنم که خود کاربرگرایان در تضاد و اختلاف با یکدیگر بوده و وضعیت آشفته‌ای دارند. در واقع، رویکرد

1. Bookstein
2. Swanson
3. Borlund
4. Budd
5. Järvelin
6. Hjørland
7. Huang & Soergel
8. Saracevic
9. Dervin & Nilan

نظام‌گرا و کاربرگرا مخالف هم نیستند و مسئله و مشکل اصلی این است که ما چگونه این دو رویکرد را باهم و در کنار هم به کار بگیریم تا هر دو سودمند باشند (Huang & Soergel, 2013). به بیان دیگر، این پژوهشگران روش پژوهش ترکیبی را برای ارزیابی بازیابی اطلاعات روشی مناسب‌تر از روش پژوهش کمی و کیفی می‌دانند.

هر روش پژوهش از یک مکتب فلسفی نشأت می‌گیرد. روش پژوهش کمی از مکتب فلسفی پوزیتویستی و روش پژوهش کیفی از مکتب فلسفی هرمنوتیکی برخاسته است (احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲؛ مبینی دهکردی، ۱۳۹۰). در پژوهش‌های روش ترکیبی، نظیر مبینی دهکردی (۱۳۹۰) و وست[1] (۲۰۱۱) از پراگماتیسم به‌عنوان مکتب فلسفی جامعی یاد شده است که هم مکتب پوزیتویستی و هم مکتب هرمنوتیکی را در خود دارد. به بیانی دیگر، مکتب فلسفی پراگماتیستی به عنوان یک پارادایم پژوهش عنوان شده است که روش پژوهش ترکیبی را ارائه می‌کند.

روش ترکیبی از روش‌های پژوهشی است که در سال‌های اخیر مطرح شده است و کم‌تر پژوهشی در پژوهش‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی از این روش بهره برده است؛ به‌گونه‌ای که مطابق پژوهش فیدل[2] (۲۰۰۸) از ۴۶۵ مقاله رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی فقط ۲۲ مورد از آن‌ها از روش ترکیبی استفاده کرده‌اند. همچنین در پژوهش‌های ارزیابی بازیابی اطلاعات (ربط) پژوهشی به‌دست نیامد که در آن به مفهوم ربط از دیدگاه پراگماتیستی پرداخته شده باشد.

از آنجایی‌که ساراسویک (۲۰۰۷)، یورلند (۲۰۱۰) و هوانگ و سوئرگل (۲۰۱۳) روش پژوهش ترکیبی را در پژوهش‌های ارزیابی بازیابی اطلاعات رویکردی جامع معرفی کرده‌اند و روش پژوهش ترکیبی از فلسفه پراگماتیستی نشأت می‌گیرد (West, 2011؛ مبینی دهکردی، ۱۳۹۰)، لذا جای خالی اثری که به مفهوم ربط از دیدگاه فلسفه پراگماتیستی پرداخته باشد، احساس می‌شد.

بنابراین در مقاله حاضر تلاش شده است تا به آنچه در عمل در فرایند بازیابی اطلاعات و اطلاع‌یابی اتفاق می‌افتد تا فرد نیازمند به اطلاعات بتواند به مدارک مرتبط دست یابد و نیاز اطلاعاتی خود را رفع نماید، پرداخته شود و در انتها پرسش‌هایی جهت تأمل بیش‌تر در مفهوم ربط ارائه خواهد شد.

1. West
2. Fidel

مکتب پراگماتیستی

روش کمی پژوهش برخاسته از فلسفه پوزیتویستی است و در این مکتب اشیا ماهیتی مستقل از افراد دارند و می‌توان گفت که واقعیت مستقل از پژوهشگر است (قهرمانی و عبدالهی، ۱۳۹۲) در مقابل، در مکتب هرمنوتیکی که سرچشمه روش کیفی پژوهش است، واقعیت امری ذهنی و از فردی به فرد دیگر متفاوت است و جهان بدون خودآگاهی بی‌معناست. به بیانی دیگر، واقعیت زمانی به‌وجود می‌آید که خودآگاهی نسبت به اشیا که دربرگیرنده معانی هستند، وجود داشته باشد. جانسون و انوواگبوزی[۱] (۲۰۰۷) در مقاله خود اظهار می‌کنند که بیش از یک قرن طرفداران هر دو روش کمی و کیفی، نزاع و مجادله‌های آتشین باهم داشتند. این امر سبب شد تا افراطی‌هایی ظهور کنند که طرفدار روش پژوهش کمی و کیفی محض و بر این باور بودند که ترکیب این دو رویکرد غیرممکن است؛ در حالی که ضعف هر دو رویکرد آشکار بود. درست در این زمان، پراگماتیسم شروع به دفاع از ترکیب روش‌شناسی‌ها کرد. پراگماتیست‌ها استدلال کردند که دوگانگی کاذبی بین دو رویکرد کمی و کیفی وجود دارد و پژوهشگران باید از نقاط قوت هر دو رویکرد استفاده کنند تا درک کامل‌تری از پدیده‌های اجتماعی[۲] داشته باشند. پراگماتیست‌ها معتقد بودند که واقعیت عینی ممکن است وجود داشته باشد، اما ذهن انسان ناتوان از عینیت مورد نیاز برای کشف چنین واقعیتی است. پراگماتیست‌ها با تفسیر اندیشه به‌مثابه چیزی که در زمینه‌ای هدفمند، درهم بافتگی تنگاتنگی با عمل دارد، آن‌را به عنوان نشانه پیوستگی ذهن و طبیعت مورد تأکید قرار دادند و اظهار نمودند که ذهن از طریق کنش متقابل فیزیکی با پیرامون خود به شناخت دست می‌یابد (Scheffler, 2013).

پراگماتیسم یکی از مهم‌ترین مکتب‌های فلسفی است که نخست توسط پیرس[۳] در سال ۱۸۷۸ مطرح شد (خاتمی، ۱۳۸۱). پیرس به تصویر موروثی کاملاً روشن و دقیقاً تعریف شده و مکانیکی جهان که تابع قوانین جبری و تغییرناپذیر قابل کشف به کمک مشاهده دقیق و برداشت واضح حمله می‌کند. همچنین وی معتقد است که محدودیت‌های شناخت ما در هر زمان معین نه به طبیعت بلکه به خود ما مربوط می‌شوند و نارسائی طرح تشریحی ما حاکی از فقدان اصول تنظیم‌کننده مناسب در طبیعت نیست (Scheffler, 2013). پیرس در مقاله‌ای در باب تنویر افکار اظهار داشت که برای بسط مفهومی ذهنی فقط لازم است مشخص کنیم که این مفهوم برای ایجاد چه نوع رفتاری به کار می‌آید، آنگاه اصل پراگماتیسم مشخص می‌شود (James & Blau, 1963). مکتب پراگماتیستی سپس توسط افرادی چون ویلیام جیمز، جان دیویی، آلتور

1. Johnson, Onwuegbuzie, & Turner
2. social phenomena
3. Pierce

بالفور و فردیناند شیلر[1] ادامه یافت (خاتمی، ۱۳۸۱).

اصطلاح پراگماتیسم از واژه یونانی «Pragma» به معنی عمل[2] مشتق شده است. پراگماتیسم، دیدگاه، روش و فلسفه‌ای است که نتایج عملی اندیشه‌ها و عقاید را به‌عنوان معیار ارزش و صدق آن‌ها به کار می‌برد (خاتمی، ۱۳۸۱). طبق دیدگاه این مکتب، معرفت حقیقی معرفتی است که مفید و سودمند باشد.

ربط موضوع اساسی و بنیانی علم اطلاعات است (Saracevic, 2012) و بسیاری از پژوهشگران علم اطلاعات و دانش‌شناسی به استفاده از مباحث فلسفی گرایش یافته‌اند و پراگماتیسم یکی از مهم‌ترین مکتب‌های فلسفی قرن بیستمی است که طرفداران این مکتب ادعا می‌کنند که در این رویکرد، از هر دو رویکرد کیفی (هرمنوتیکی) و رویکرد کمی (پوزیتویستی) بهره برده شده است و این امر با تأکید بر عمل محقق شده است. از این‌رو در ادامه به مفهوم ربط از دیدگاه پراگماتیستی نگریسته شده است.

ربط

هر حوزه موضوعی یک مفهوم هسته و بنیانی دارد. بازیابی اطلاعات مرتبط و نه هر نوع اطلاعاتی، مفهوم هسته علم اطلاعات است. بازیابی اطلاعات، یک شاخه مهم از علم اطلاعات است که به مقوله اطلاعات مرتبط می‌پردازد. پس ربط، مفهوم بنیانی علم اطلاعات است که فرد به هنگام جستجوی اطلاعات به‌دنبال آن است (Saracevic, 2012).

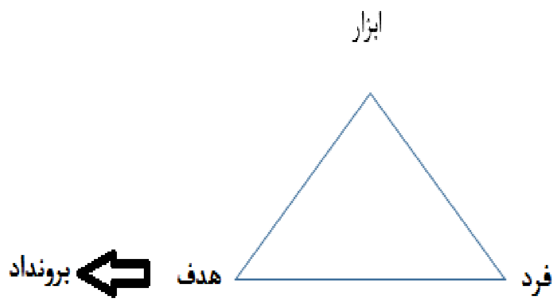
اطلاع‌یابی، تلاش برای پاسخگویی به یک نیاز از طریق جستجوی اطلاعات مرتبط است (داورپناه، ۱۳۸۶). به بیانی دیگر، در فراگرد اطلاع‌یابی، شخص با استفاده از اطلاعات مرتبط به‌دنبال رفع نیاز خویش است. برای درک و تبیین فراگرد اطلاع‌یابی، استفاده از نظریه‌های مختلف ممکن است مفید باشد اما تا اواخر سال ۲۰۰۲، در بسیاری از مطالعات اطلاع‌یابی هیچ ادعای روشنی درباره استفاده از نظریه ارائه نشده است. باوجوداین، نظریه‌های فراوانی در رشته‌های گوناگون وجود دارد که ممکن است در جستجوی اطلاعات به‌کاربرده شود (Case & Given, 2016). برخی از پژوهشگران به‌طور ضمنی از نوعی نظریه استفاده کرده‌اند خواه آن‌ها به نظریه‌ای خاص استناد کنند یا نکنند؛ ازجمله این پژوهشگران کولثاو[3] است که به‌طور مستقیم به نظریه فعالیت اشاره نمی‌کند اما مفهوم حوزه مداخله را به تصویر کشیده است (اسدی، ۱۳۸۹). در نظریه فعالیت به تمام جنبه‌های فعالیت توجه می‌شود. به همین سبب ابتدا نظریه فعالیت تشریح و سپس آنچه در

1. William James & John Dewey & Arthur Balfour & Ferdinand Schiller
2. Action
3. Kuhlthau

عمل رخ می‌دهد تا فرد نیازمند به اطلاعات بتواند نیاز اطلاعاتی خود را برطرف نماید، بحث خواهد شد.

نظریه فعالیت

نظریه فعالیت ریشه در آثار روانشناس روسی ویگوتسکی[1] در نیمه اول قرن بیستم دارد که توسط دانشجویان ویگوتسکی به‌خصوص لئونتیف[2] ادامه یافته است و او چارچوب نظری این نظریه را توسعه داده است (Kaptelinin, 2021). این نظریه پیشینه تثبیت‌شده‌ای دارد و در علوم تربیتی، زبانشناسی، مردم‌شناسی، رایانه و نظام‌های اطلاعاتی به‌کار رفته است. این نظریه از سه مؤلفه اصلی ابزار، هدف و فرد تشکیل شده است که در شکل ۱ ارتباط این سه مؤلفه نشان داده شده است (Allen, Karanasios, & Slavova, 2011).



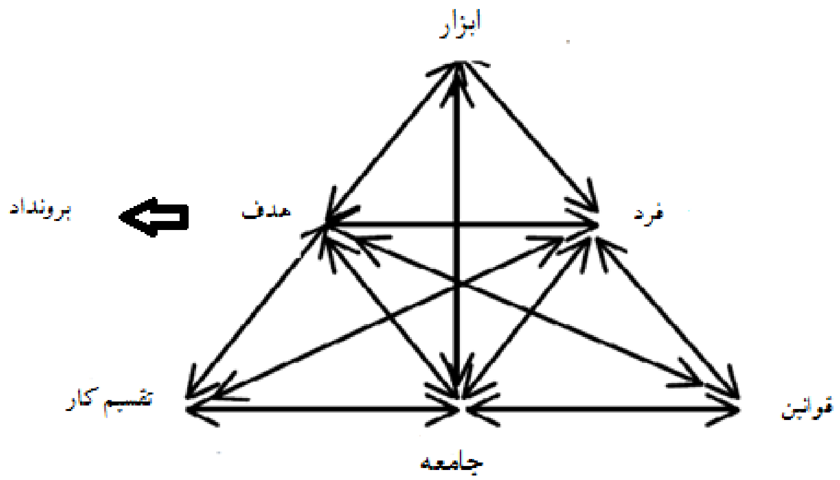
شکل ۱. ابعاد نظریه فعالیت ویگوتسکی (Allen et al., 2011)

ویگوتسکی اعتقاد داشت که فعالیت‌های انسانی هدفمند هستند و این استفاده از ابزار و اهمیت جامعه را نشان می‌دهد؛ وی همچنین باور داشت که ابزار نقش میانجی در همه فعالیت‌های انسانی و فراگردهای ذهنی دارد که فقط می‌توان آن‌ها را با ابزارها و علائم آن درک کرد (Crawford & Hasan, 2006).

انگستروم[3]، به نمودار ویگوتسکی قواعد و هنجارها، جامعه و تقسیم‌کار را اضافه کرد. نگاشت نهایی نظریه فعالیت توسط انگستروم در شکل ۲ ارائه شده است (Hasan & Kazlauskas, 2014; Wilson, 2008). قوانین و هنجارها همان محدودیت‌های رسمی، غیررسمی، قانونی، سنتی و ویژگی‌های خاص آن فعالیت

1. Vygotsky
2. Leontiev
3. Engeström

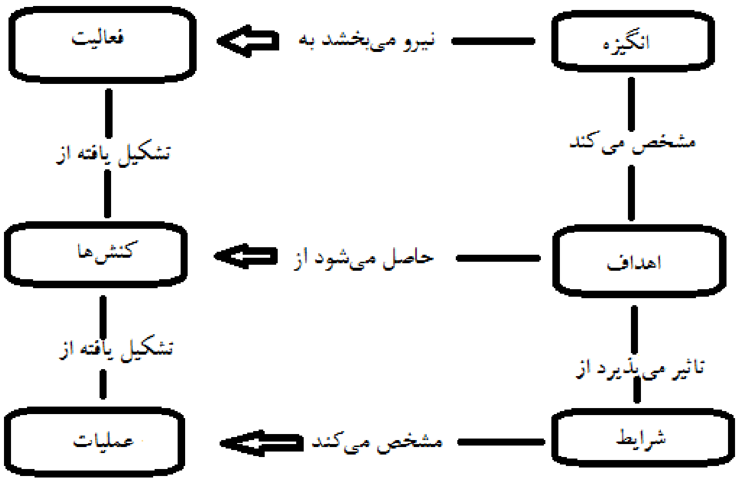
هستند. برای مثال، مددکار اجتماعی در انجام فعالیت خود، در نگهداری از سالمندان، رهنمودها و روندهای پرورشی سازمان را در نظر خواهد گرفت که خود این رهنمودها و روندها از نظامنامه حقوقی گرفته شده است. برای توضیح مفهوم جامعه چندین سطح در نظر گرفته می‌شود. جامعه ممکن است گروه کاری که فرد جزئی از آن است، یا تشکل سازمانی گسترده یا جامعه در معنای وسیع خود باشد. تقسیم‌کار این مفهوم را نشان می‌دهد که انجام یک فعالیت، وظایف مشارکتی و اشتراکی با سایرین را شامل می‌شود (Wilson, 2008).



شکل ۲. نگاشت نهایی نظریه فعالیت (Engeström, 2006)

هسته بنیانی این نظریه، فعالیت است که به مفهوم رابطه بین فرد (شخص کننده‌کار یا فاعل) و هدف (چیزی که انجام می‌شود) اشاره دارد (Hasan & Kazlauskas, 2014). هر فعالیت شامل مجموعه‌ای از کنش‌ها (که معمولاً با اهداف خاصی بروز می‌کند) و عملیات (عادت‌های شناختی رایج) است (Crawford & Hasan, 2006).

لئونتیف بین فعالیت و کنش‌ها و عملیات تمایز قائل است و آن‌ها را به انگیزه، اهداف و شرایط مرتبط می‌دانند و بر روابط بین آن‌ها تأکید می‌کند (Crawford & Hasan, 2006).



شکل ۳. فعالیت، کنش‌ها، عملیات (Wilson, 2008)

همان‌گونه که در شکل ۳ نشان داده می‌شود، مفهوم فعالیت لزوماً با انگیزه در ارتباط است و فعالیت بدون انگیزه وجود ندارد. فعالیت بدون انگیزه فقط فعالیت بی‌انگیزه صرف نیست، بلکه فعالیتی با انگیزه پنهان به شکل عینی و ذهنی است (اسدی، ۱۳۸۹). وقتی‌که فعالیتی با توجه به اهداف و انگیزه تعریف شود، کنش‌ها طرح‌هایی با اهداف خاص و مقید به محدوده زمانی هستند. کنش‌ها در ذات خود معنا و مفهومی ندارند و فقط بخشی از فعالیت‌اند (Crawford & Hasan, 2006).

فعالیت انسان فقط به شکل کنش یا مجموعه کنش‌ها وجود دارد. برای مثال، واقعیت کاری در کنش‌های کاری، و فعالیت مدرسه در کنش‌های مدرسه تحقق می‌یابد (اسدی، ۱۳۸۹).

مجموعه کنش‌های جایگزین مشروعی وجود دارند که می‌توانند کارکرد موفقی در فعالیت داشته باشند. برای مثال، چندین راه‌حل در فعالیت نظام‌های اطلاعاتی وجود دارد که یکی از این راه‌حل‌ها برحسب تحلیل هزینه-سودمندی به کار می‌رود. بالاخره وقتی‌که چندین نمونه راه‌حل (مجموعه کنش‌های مختلف) برای یک فعالیت وجود داشته باشد، در شرایط مختلف (در کشورهای مختلف یا درون یک کشور) داشتن درک مشترک از اهداف فعالیت در بالای سلسله‌مراتب اهمیت می‌یابد (Crawford & Hasan, 2006).

در این بخش نظریه فعالیت در حالت عام خود تشریح گردید، اما انگستروم یادآور می‌شود که نظریه فعالیت فنون آماده‌شده‌ای را برای پژوهش‌ها ارائه نمی‌کند و عبارت از ابزاری مفهومی است که باید با ماهیت خاص اهداف مورد نظر مطابقت داده شود (Nardi, 1996). در همین راستا، ضرورت دارد تا نظریه فعالیت

در بافت هدف، یعنی در فرایند اطلاع‌یابی مورد توجه قرار گیرد و عناصر آن شرح داده شود.

نظریه فعالیت و فراگرد اطلاع‌یابی

تا امروز پژوهشگران علم اطلاعات توجه کمی به نظریه فعالیت در آثارشان داشته‌اند به‌گونه‌ای که مقاله اسدی (۱۳۸۹) تنها مقاله‌ای است که در آن به نظریه فعالیت پرداخته شده است و این کم‌توجهی در منابع انگلیسی نیز مشهود است. اما با گذشت زمان توجه به نظریه فعالیت بیش‌تر شده است. نظریه فعالیت تاحدی از طریق آثار انگستروم، جایگاهی در پژوهش‌های تعامل انسان-رایانه و در نظام‌های اطلاعاتی یافته است. رفتار اطلاع‌یابی سطح جزئی‌تر از رفتار اطلاعاتی و رفتار اطلاع جویی است که به رفتار به کار گرفته شده از سوی فرد در تعامل با نظام اطلاع‌رسانی اشاره دارد. رفتار اطلاع‌یابی شامل تمامی تعامل‌ها با نظام، خواه در سطح تعامل انسان با رایانه (مثل استفاده از موشواره) و خواه در سطح انتزاعی است (مثل اتخاذ یک راهبرد جستجوی بولی یا تعیین معیارهایی برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام‌یک از دو کتابی که از مکان‌های همجوار از قفسه یک کتابخانه انتخاب شده سودمندتر است) که اعمال ذهنی را نیز شامل می‌شود (نوکاریزی و داورپناه، ۱۳۸۵). حال با توجه به اینکه مفهوم اطلاع‌یابی مشخص گردید، در ادامه عناصر نظریه فعالیت در فراگرد اطلاع‌یابی تشریح می‌شود.

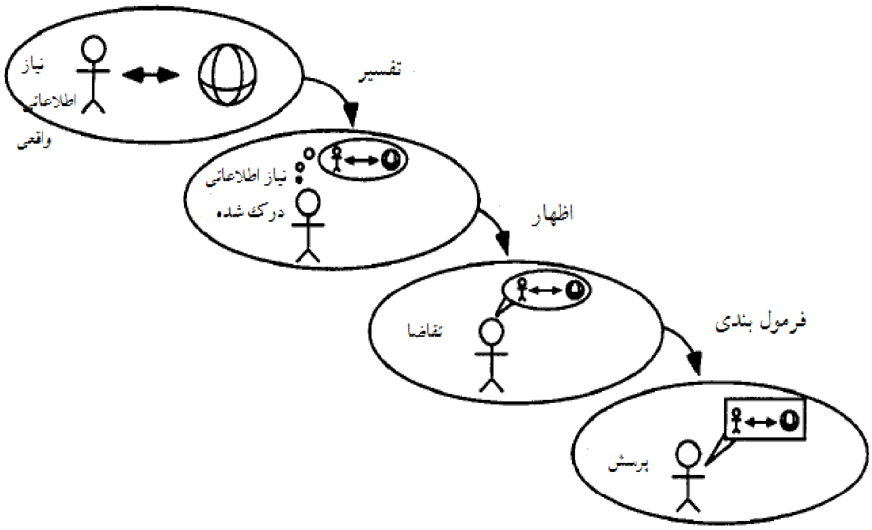
۱. فرد: منظور از فرد یا فاعل، شخص نیازمند به اطلاعات است که برای رفع نیاز اطلاعاتی خود به جستجوی اطلاعات می‌پردازد و با جهان خارج تعامل دارد (Kaptelinin, 2021). در اکثر متون علم اطلاعات، شروع فراگرد اطلاع‌یابی با فرد است (Wilson, 2008).

شروع فراگرد جستجو، تشخیص مسئله‌ای است که برای حل آن، به مجموعه‌ای از اطلاعات نیاز است (داورپناه، ۱۳۸۶). فرد در «وضعیت مسئله‌ای[1]» قرار دارد که برای حل آن به اطلاعاتی نیاز دارد (Mizzaro, 1998). او به اطلاعات نیاز دارد و در حوزه بازیابی اطلاعات به آن، نیاز اطلاعاتی گفته می‌شود البته میزارو[2] (۱۹۹۸) آن‌را نیاز اطلاعاتی واقعی[3] می‌نامد.

کاربر نیاز اطلاعاتی واقعی را درک کرده و نیاز اطلاعاتی درک شده[4] شکل می‌گیرد که بازنمونی ذهنی (آنچه در ذهن فرد است) از وضعیت مسئله‌ای است. به‌هرحال امکان دارد که این نیاز مطابق با نیاز

1. Problematic Situation
2. Mizzaro
3. Real information need
4. Perceived information need

اطلاعاتی واقعی نباشد. سپس کاربر نیاز اطلاعاتی درک شده را در قالب تقاضا مطرح می‌کند که بازنمونی از نیاز اطلاعاتی درک شده در قالب زبان انسان (که معمولاً زبان طبیعی گفته می‌شود) است (Mizzaro, 1998). در نهایت فرد تقاضا را در قالب پرس‌وجو[1] که به زبان نظام اطلاعاتی است، به‌نظام ارائه می‌کند. فراگرد این چهار سطح (نیاز اطلاعاتی واقعی، نیاز اطلاعاتی درک شده، تقاضا و پرسش) و سه عمل (تفسیر، اظهار و تدوین عبارت جستجو) در شکل ۴ ارائه شده است.



شکل ۴. نیاز اطلاعاتی واقعی، نیاز اطلاعاتی درک شده، تقاضا و پرسش (Mizzaro, 1998)

با کمی تفاوت تیلور[2] بر اساس مصاحبه با کتابداران دانشگاهی، چهار سطح شکل‌گیری پرسش (نیاز غریزی، نیاز آگاهانه، نیاز به شکل عبارت جستجو و نیاز سازگار شده) را پیشنهاد می‌کند. بر اساس نظر تیلور، فرد باید سه خط کنش را از مرحله‌ی نیاز غریزی دنبال کند بدین‌صورت که وی می‌تواند با تولید اطلاعات لازم از طریق اندیشیدن، مسئله یا هدف خود را حل کند یا تحقق بخشد و به مرحله‌ی نیاز سازگار شده نرسد؛ و یا ممکن است به این نتیجه برسد که نمی‌تواند مسئله خود را بدون اطلاعات بیرونی حل نماید، در این

1. Query
2. Taylor

صورت در وضعیت عدم قطعیت[1] قرار می‌گیرد، یعنی در مرحله نیاز آگاهانه قرار می‌گیرد؛ بنابراین مسئله خود را با یک شخص یا سامانه اطلاعاتی در میان می‌گذارد، پس از تعامل کاربر با نظام ممکن است با ادراک برخی اطلاعات بالقوه، وضعیت عدم قطعیت وی تغییر یابد (Ingwersen, 1992).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت فرد نیازمند اطلاعات باید به‌صورت آگاهانه به نیاز خود پی برده و آن‌را به مفاهیم جداگانه تحلیل کند و سپس مفاهیم را با استفاده از امکانات نظام بازیابی اطلاعات، به‌صورت پرسش درآورده و آن‌را بی‌کم و کاست در اختیار نظام قرار دهد. در همین راستا، لوکاس و تاپی[2] (۲۰۰۲) از مهارت‌های جستجوی و استفاده از اطلاعات به‌منزله عامل تأثیرگذار در فراگرد اطلاع‌یابی یاد می‌کنند؛ پس یک فرد بی‌تجربه یا کم‌تجربه ممکن است ساعت‌های متمادی غرق در جستجوی بی‌فایده از طریق اینترنت شود.

۲. ابزار: بر اساس نظر ویگوتسگی همه فعالیت‌های انسانی هدفمند هستند و برای انجام این فعالیت‌ها از ابزارهایی استفاده می‌شود که این ابزارها در جامعه نقش حیاتی دارند (Crawford & Hasan, 2006)، به بیانی دیگر، فرد با استفاده از ابزارها به هدف خود دست می‌یابد (Engeström, 2006). همچنین ویگوتسگی معتقد بود که این ابزارها در همه فعالیت‌های انسانی و فرایندهای ذهنی که فقط از طریق نشانه‌ها درک می‌شود، نقش میانجی را ایفا می‌کنند (Crawford & Hasan, 2006). وارفوکس[3] (۲۰۱۲) سه سطح نخست (ملموس، خارجی یا فیزیکی)، سطح دوم (درونی، وابسته به علائم، ذهنی) و سطح سوم (طرحواره‌هایی نظیر محیط‌ها و اکوسیستم‌ها که در آن‌ها ذهن و فرهنگ با هم اثرگذارند) را برای این ابزار نامبرده است.

در توضیح ابزار در فرایند اطلاع‌یابی می‌توان سطح نخست را ابزارهای کاوش در نظر گرفت. بیش از ۸۵ درصد مردم از موتورهای کاوش برای رسیدن به اطلاعات مورد نظر استفاده می‌کنند (Kumar & Pavithra, 2010). موتورهای کاوش با توجه به سیاست‌ها و راهبردهایشان مدارک وبی را برای کاربران بازیابی و رتبه‌بندی می‌کنند و هر کدام از این موتورهای کاوش سیاست خاصی دارند (فتاحی، ۱۳۸۳). بنابراین می‌توان مدارک بازیابی شده را سطح دوم نامید که ویژگی‌هایی چون سطح علمی منبع، اعتبار و شهرت نویسنده، شهرت و اعتبار منتشرکننده و توزیع‌کننده، زبان منبع، جذابیت ظاهری و بسیاری از عوامل دیگر در توجه به مدارک نقش دارند (محسنی، ۱۳۸۷). واژگان و نشانه‌های به‌کار رفته در مدارک را می‌توان سطح سوم نامید.

1. Uncertainty
2. Lucas & Topi
3. Wartofsky

۳. هدف: هدف لزوماً مبهم بوده و نیاز به تفسیر و مفهوم‌آفرینی دارد (Engeström, 2006) و در فراگرد اطلاع‌یابی منظور از هدف، رفع نیاز اطلاعاتی است. ازآنجایی‌که نیاز اطلاعاتی مفهومی پیچیده و مبهم است، پس رفع نیاز اطلاعاتی نیز مفهومی پیچیده و مبهم تلقی می‌شود.

به‌طورکلی دو دیدگاه درباره منشأ نیازهای اطلاعاتی وجود دارد. به نظر برخی از دانشمندان با گرایش‌های اگزیستانسیالیستی نیازهای اطلاعاتی از نیازهای اولیه محسوب می‌شوند (Case & Given, 2016) اما به نظر ویلسون، نیاز اطلاعاتی از جمله نیازهای ثانویه است که منبعث از نیازهای اولیه روانی، شناختی و عاطفی است. پیدایش نیازی خاص متأثر از بافتی است که ممکن است این بافت خود شخص، یا نقشی که در کار و زندگی ایفا می‌کند، یا محیط (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و مانند آن) باشد. عناصر این بافت درهم پیچیده‌اند. ویژگی‌های شخصی بر انتخاب و سلسله‌مراتب نیازهای اطلاعاتی بر قدرت آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اما علت بسیاری از نیازهای شناختی در بیرون از ذهن شخص است. آن‌ها به جهت توالی نقش‌هایی که فرد ایفا می‌کند، به‌وجود می‌آیند یا از شرایط محیطی ناشی می‌شوند، اما نیازهای اطلاعاتی گروه‌های مختلف (مهندسان، پزشکان، داروسازان و مانند آن) با هم متفاوت است (نوکاریزی و داورپناه، ۱۳۸۵). در همین راستا، ویکری و ویکری[1] (۲۰۰۵) معتقدند که هر فرد در زندگی روزمره خود، هر لحظه نیازمند دانستن درباره نحوه دستیابی، کیفیت و قیمت بسیاری چیزها نظیر خدمات بهداشتی، تأمین اجتماعی، تسهیلات آموزشی و امکانات تربیتی است؛ افراد حتی در انجام کارهای خانه، نیز نیازمند اطلاعات عملی نظیر آشپزی، باغبانی و مانند آن هستند. به بیانی دیگر، نیاز اطلاعاتی ممکن است زاییده سائقه‌های انسانی، رشد جسمی و ذهنی، محیطی و تحصیلی باشد. نیاز اطلاعاتی مفهومی ذهنی است که فقط در ذهن فرد تجربه می‌شود. در واقع نیاز اطلاعاتی، درک شکاف آنچه می‌داند و آنچه باید بداند، است (Mizzaro, 1998). نیاز اطلاعاتی با رفع این شکاف برطرف می‌شود و در نهایت فرد با رسیدن به اطلاعات مورد نظر، می‌تواند فعالیت مربوط به زندگی روزمره خود را به سرانجام رساند.

۴. قوانین: قوانین و هنجارها همان محدودیت‌های رسمی، غیررسمی، قانونی، سنتی و ویژگی‌های خاص آن فعالیت هستند (Wilson, 2008). برای مثال، فردی را در نظر بگیرید که برای ارائه سمینار کلاسی به جستجوی منابع اطلاعاتی می‌پردازد. فرد در موضوع مورد نظر خود به مقالاتی دسترسی دارد که دانشگاه او مشترک مجلات آن مقالات است و چه‌بسا اگر دانشگاه اشتراک آن مجله را نداشته باشد، فرد نیازمند به اطلاعات از مقالات مشابه در دسترس استفاده کند. بنابراین در اینجا مشترک بودن یا نبودن مجله، منجر به

1. Vickery & Vickery

استفاده یا عدم استفاده از آن منبع خواهد شد. پس در این مورد چگونگی تأثیر قوانین دانشگاه، بر استفاده از منابع اطلاعاتی به تصویر کشیده شده است.

۵. جامعه: منظور از جامعه همه افرادی هستند که ما در انجام یک فعالیت با آن‌ها سروکار داریم (Wilson, 2008). برای مثال دانشجویان، سخنرانان، مدرسان، کتابداران و کارمندان، جامعه دانشگاهی را تشکیل می‌دهند (Allen et al., 2011).

رفتار، عادات و تصورات ما از دنیایی انتزاعی و مجرد ناشی نشده است، بلکه متأثر از زندگی در اجتماع (خانواده، مدرسه، محیط کوچه و مانند آن) است. به بیان ساده‌تر، افکار و ارزش‌های ما نتیجه زندگی اجتماعی ما و نه مولود یک تفکر مجرد است. بدین ترتیب، موقعی که کاری را انجام می‌دهیم، انتظارات و توقعات دیگران بر چگونگی انجام کار ما تأثیر می‌گذارد.

حوادث اتفاق افتاده در شهر اُتازونی[1] و حادثه مشابه آن‌که در سال ۱۹۰۴ توسط دیویس نقل شد، این نظریه را تائید کرد که شخصیت هر فرد متأثر از زندگی اجتماعی و محیط فرهنگی اوست (محدث اردبیلی، ۱۳۵۵). فرد ارائه‌دهنده سمینار در کلاسی دانشجویی، سطح معلومات و شناخت دانشجویان را در نظر می‌گیرد، مسئله‌ای که برای اساتید و مدرسان کاملاً آشکار است. بر همین اساس ویلسون معادل جامعه را در فراگرد اطلاع‌یابی، همان شناخت و فرهنگ جامعه می‌داند (Wilson, 2008). فرهنگ، ارزش‌هایی است که یک گروه معین دارند و می‌توان آن‌را سازنده هویت یک جامعه پنداشت، هویتی که مبنای اصلی تصمیم‌گیری و شیوه رفتار افراد یک جامعه است (سلیمی‌فر و جمالی مهمویی، ۱۳۹۵).

۶. تقسیم‌کار: کاربر در خلأ زندگی نمی‌کند. وی معمولاً عضوی از یک جامعه یا سازمان است، شغل، مأموریت، یا علائقی دارد و برای تحقق یک هدف با افراد دیگر تعامل می‌کند (Boyce et al., 2017). تقسیم‌کار، ساختار سلسله‌مراتبی از فعالیت، و به بیانی دیگر تقسیم فعالیت بین تمامی شرکت‌کنندگان در نظام را نشان می‌دهد و این نشان می‌دهد که انجام یک فعالیت، شامل وظایف مشارکتی و اشتراکی با سایرین است (Wilson, 2008). فرض کنید دو فرد الف و ب با همکاری همدیگر می‌خواهند، مقاله‌ای را در موضوعی بنویسند که انتقادی از نوعی رویکرد درباره همان موضوع است و فرد الف در زمان گذشته از همان رویکرد در پژوهش خود استفاده کرده است. در تقسیم کاری که در نوشتن این مقاله انجام شده است، قرار است فرد ب نمونه‌ای از پژوهش‌هایی را بیابد که در آن‌ها از این رویکرد استفاده شده تا به عنوان نمونه مصداقی از پژوهش‌های انجام شده از طریق همان رویکرد را ارائه دهند. در این صورت مشخص است که

1. Etazuni

فرد ب مقاله نوشته شده توسط همکارش، فرد الف، را به عنوان مصداقی از پژوهش‌های استفاده‌کننده از همان رویکرد به فرد الف معرفی نخواهد کرد و دسترسی به این مقاله در نوشتن مقاله جدید مفید نخواهد بود و فرد باید پژوهش‌های دیگری را پیدا کند.

تأملی در مفهوم ربط در بازیابی اطلاعات

مکاتب فلسفی و پارادایم‌ها، پیش‌فرض‌هایی را فراهم می‌آورند که شیوه دیدن جهان را برای عالمان یک رشته و پژوهشگران یک حوزه مشخص می‌کند (قهرمانی و عبدالهی، ۱۳۹۲). به بیانی دیگر پارادایم‌ها، تفسیر جهان و روش‌شناسی پژوهش را تعیین می‌کنند. هر مکتب فلسفی را می‌توان به‌مثابه چارچوبی در نظر گرفت که محقق در قالب آن، جهان را تفسیر می‌کند و در چنین چارچوبی پاسخ به پرسش‌هایی در حوزه‌های هستی‌شناسی (ماهیت حقیقت)، معرفت‌شناسی (رابطه میان موضوع شناخت و فاعل شناسا) و روش‌شناسی (چگونگی رسیدن و بیان شناخت) ارائه می‌شود (مبینی‌دهکردی، ۱۳۹۰). این امر موجب می‌شود که افراد با مکاتب فلسفی متفاوت معیارهای متفاوتی را برای ربط و مفهوم آن به کار گیرند.

توجه به واژه پراگماتیسم، معنا و مفهوم رویکرد پراگماتیستی را مشخص می‌کند و فردی را می‌توان پراگماتیست دانست که به نتایج تجربی اعمال توجه می‌کند. بر این اساس مدرک مرتبط، مدرکی است که در عمل، نیاز اطلاعاتی فردی را که در موقعیتی ویژه قرار دارد، برطرف می‌کند. به بیانی دیگر، مدارکی که در عمل مورد استفاده قرار می‌گیرند، مدارک مرتبط هستند.

با توجه به آنچه در پیش ـ بخش فراگرد اطلاع‌یابی ـ گفته شد، عوامل متعددی که در عمل موجب می‌شوند تا یک مدرک، توسط فرد نیازمند به اطلاعات استفاده شود، تشریح گردید و بر آن اساس رویکرد پراگماتیستی مشخص شد و با توجه به آن می‌توان مفهوم ربط را از دیدگاه پراگماتیستی مورد تحلیل و بحث و بررسی قرار داد. در همین راستا، چندین نکته در رابطه با موضوع ربط به ذهن می‌رسد که توجه به آن‌ها حائز اهمیت است. این نکات عبارت‌اند از:

- اگر مدرک مرتبطی به دلیل ضعف مهارت‌های جستجوی کاربران به‌دست نیاید، آیا در این صورت مدرک نامرتبط است؟ (مانع: فرد)
- درصورتی‌که مدرک مرتبطی به‌علت ضعف نظام‌های بازیابی اطلاعات دسترس‌پذیر نباشد، آیا مدرک نامرتبط است؟ (مانع: ابزار)
- درصورتی‌که مدرک به دلیل نوشته شدن به زبان خارجی مورد استفاده قرار نگرفت، آیا مدرک

نامرتبط است؟ (مانع: ابزار)

- درصورتی‌که عدم دسترسی به مدرک موجب عدم استفاده از آن شود، در این صورت آیا مدرک یاد شده نامرتبط است؟ (مانع: قوانین)
- درصورتی‌که مدرکی به دلیل عدم پذیرش جامعه مورداستفاده قرار نگرفت، آیا مدرک نامرتبط است؟ (مانع: جامعه)

بحث و نتیجه

گرچه متون مختلفی درباره مفهوم ربط وجود دارد، باز هم ارائه تعریفی از ربط کاری سخت است. پژوهشگران مختلفی تلاش کرده‌اند تا مفهوم ربط را تبیین نمایند. ارائه تعاریف مناسب از ربط با پژوهش ویکری آغاز شد، زمانی که وی بین ربط به موضوع و ربط کاربر تمایز قائل شد (Mizzaro, 1998). بعد از وی پژوهشگران با توجه به مبانی فلسفی خود به پژوهش در رابطه با مفهوم ربط پرداختند تا اینکه دیدگاه سنتی از ربط به‌شدت به چالش کشیده شد.

تغییر پارادایم از رویکرد نظام‌گرا به رویکرد کاربرگرا به‌طور ویژه با نظریه دروین و نیلان صورت پذیرفت (Saracevic, 2007). بعد از گذشت مدتی از زمان ارائه رویکرد کاربرگرا، ساراسویک (۲۰۰۷)، یورلند (۲۰۱۰) و هوانگ و سوئرگل (۲۰۱۳) مدعی شدند که رویکرد نظام‌گرا و رویکرد کاربرگرا در مقابل و در تضاد با همدیگر نیستند، بلکه در پژوهش‌های بازیابی اطلاعات با استفاده از رویکردی که مزیت‌های هر دو رویکرد نظام‌گرا و کاربرگرا را داشته باشد، می‌توان به نتایج غنی‌تری دست یافت. پراگماتیست‌ها ادعا می‌کنند که مکتبشان به دور از افراط‌وتفریط است. جیمز و بلاو[1] (۱۹۶۳) دو نگرش فکری را با عنوان‌های نرم‌اندیش و سخت‌اندیش مطرح می‌کند و می‌افزاید که نگرش سخت‌اندیش، نرم‌اندیش را احساساتی و نازک‌دل می‌داند و نرم‌اندیش، سخت‌اندیش را زمخت یا بی‌رحم تلقی می‌کند. بیایید نوعی وحدت در کثرت و جبر توأم با اختیار را بپذیریم. به‌عبارتی وی ادعا می‌کند که مکتب پراگماتیستی مزیت‌های هر دو رویکرد پوزیتویستی و هرمنوتیکی را در خود دارد که توجه به این نکته حائز اهمیت است.

بر اساس دیدگاه مکتب پراگماتیستی، مدرکی که توسط فرد نیازمند به اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد (استناد شود)، مدرک مرتبط است و این واضح است که عوامل مختلفی وجود دارند که بر برونداد نهایی از ربط تأثیر می‌گذارند.

1. James & Blau

بر طبق نظریه فعالیت، فرد برای حل مسئله‌ای به اطلاعات نیاز دارد که میزارو (۱۹۹۸) آن‌را نیاز اطلاعاتی واقعی می‌نامد. کاربر نیاز اطلاعاتی واقعی را درک کرده و نیاز اطلاعاتی درک شده شکل می‌گیرد که بازنمونی ذهنی (آنچه که در ذهن فرد است) از وضعیت مسئله‌ای است، سپس کاربر نیاز اطلاعاتی درک شده را در قالب تقاضا مطرح می‌کند که بازنمونی از نیاز اطلاعاتی درک شده در قالب زبان انسانی (که معمولاً زبان طبیعی گفته می‌شود) است. درنهایت او تقاضا را در قالب پرسش که به زبان نظام اطلاعاتی است، به نظام ارائه می‌کند.

درک و تشخیص نیاز به اطلاعات، به شناخت فرد بستگی دارد (فتاحی، ۱۳۸۳) و هر فرد دارای محدودیت شناختی است، درنتیجه امکان دارد که این نیاز مطابق با نیاز اطلاعاتی واقعی نباشد؛ از طرفی نظام‌های بازیابی اطلاعات، امکانات و قابلیت‌های جستجویی متفاوتی دارند (داورپناه، ۱۳۸۶)؛ پس فرد با توجه به قابلیت‌های نظام بازیابی اطلاعات و آشنایی او با این قابلیت‌ها، از امکانات نظام بازیابی اطلاعات استفاده خواهد کرد تا تقاضا را به سامانه وارد کند. بعد از اینکه نیاز اطلاعاتی فرد در نظام بازیابی اطلاعات مورد جستجو قرار گرفت، پایگاه نمایه نظام بازیابی اطلاعات بررسی خواهد شد تا مدارک مرتبط به نیاز اطلاعاتی فرد بازیابی شود.

ذخیره‌سازی مدارک در پایگاه نمایه و نیز خلاصه نمایش داده شده از مدارک بازیابی شده به کیفیت نمایه‌سازی نظام بازیابی اطلاعات بستگی دارد و درنهایت فرد نیازمند به اطلاعات با توجه به خلاصه نمایش داده شده، مدارکی را برای رسیدن به هدف خود انتخاب خواهد کرد (فتاحی،۱۳۸۳)که ویژگی‌هایی چون سطح علمی منبع، اعتبار و شهرت نویسنده، شهرت و اعتبار منتشرکننده و توزیع‌کننده، حروف‌چینی، شکل منبع، زبان منبع، جذابیت ظاهری و بسیاری از عوامل دیگر در استفاده یا عدم استفاده از مدارک نقش دارند (محسنی، ۱۳۸۷).

فرهنگ و آداب‌ورسوم جامعه نیز در انتخاب مدرک تأثیرگذار خواهند بود (سلیمی فر و جمالی مهمویی، ۱۳۹۵). بنابراین اگر مدرکی مورد پذیرش جامعه نباشد، همان مدرک توسط فرد نیازمند به اطلاعات استفاده نخواهد شد؛ همچنین چنانچه مدرک شرایط ذکر شده را داشت و برای فرد نیازمند به اطلاعات دسترس‌پذیر بود، توسط فرد استفاده خواهد شد و عدم دسترسی به مدرک موجب عدم استفاده از مدرک خواهد شد (Wilson, 2008).

با توجه به آنچه گفته شد، اتفاقاتی که در عمل رخ می‌دهد تا فرد نیازمند به اطلاعات، نیاز اطلاعاتی خود را رفع کند، مشخص گردید و این همان رویکرد پراگماتیستی از ربط است و بر عهده خوانندگان است

تا کارآمدی رویکرد پراگماتیستی را در رابطه با مفهوم ربط و ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات قضاوت کنند؛ به بیانی دیگر، عوامل مؤثر بر استفاده از مدرک مشخص شد و مطابق فلسفه پراگماتیستی می‌توان مدارکی را که مورد استفاده واقع می‌شوند، مدارک مرتبط نامید. اما هر مدرکی به وظیفه خاصی مرتبط خواهد بود اگر بتواند مسئله اطلاعاتی را حل کند و از لحاظ ویژگی‌های ظاهری و باطنی مطابق خواست فرد نیازمند به اطلاعات، همچنین مورد پذیرش فرهنگ جامعه مورد نظر و دسترس‌پذیر نیز باشد.

در انتها باید گفت که درک مفهوم ربط با معرفت‌شناسی گره خورده است (Budd, 2004; Saracevic, 2007) و تأمل درباره فلسفه علم برای درک مفهوم ربط الزامی است. مبنی بر اینکه آیا هدف علم توصیف آن چیزی است که در عمل اتفاق می‌افتد و برای ما به‌آسانی قابل‌مشاهده است، یا علم باید آنچه را به آسانی قابل‌مشاهده نیست، توضیح داده و قضایای پنهان را مشخص نماید، تمایزگذاری بین مفهوم واقعیت و حقیقت و پیوند آن با مفهوم ربط، راهگشا خواهد بود که خود جستار دیگری را می‌طلبد و در اینجا ادعا نمی‌شود که مفهوم ربط به‌صورت کامل مشخص شده است بلکه می‌توان این کار را به‌منزله جرقه‌ای کوچک برای ادامه مباحث فلسفی در حوزه ربط تلقی کرد.

منابع

علی احمدی، علیرضا؛ و غفاریان، وفا (۱۳۸۲). اصول شناخت و روش تحقیق. *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا*، ۱۳(۴۶)، ۲۶۶-۲۴۱.

محدث اردبیلی، علی (۱۳۵۵). *مسائل مهم روانشناسی اجتماعی*. تبریز: انتشارات دانشگاه آذر آبادگان.

اسدی، مریم (۱۳۸۹). نظریه فعالیت: چارچوبی برای مطالعه رفتار اطلاعاتی. *فصلنامه اطلاع‌شناسی*، ۸(۳)، ۱۰۳-۱۲۲.

خاتمی، محمود (۱۳۸۱). پراگماتیسم و اومانیسم. *فلسفه*، ۴(۵)، ۹۷ - ۱۱۲.

داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۶) .*ارتباط علمی: نیاز اطلاعات و رفتار اطلاع‌یابی*. تهران: دبیزش.

مبینی‌دهکردی، علی (۱۳۹۰). معرفی طرح‌ها و مدل‌ها در روش تحقیق آمیخته. *فصلنامه راهبرد*، ۲۰(۶۰)،۲۳۴-۲۱۷.

فتاحی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). تحلیل عوامل مؤثر بر نسبی بودن ربط در نظام‌های بازیابی اطلاعات.*اطلاع‌شناسی*، ۲(۱)، ۲-۷.

سلیمی فر، ژاله؛ و جمالی مهمویی، حمیدرضا (۱۳۹۵). مروری بر تأثیر فرهنگ به عنوان یک عامل بافتی بر رفتار اطلاعاتی. *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۶(2)، ۶۰-۴۱.

قبادپور، وفا؛ فدائی، غلامرضا؛ و ثابت پور، افسون (۱۳۹۳). ربط عینی و ربط ذهنی در نظام‌های اطلاعاتی: تحلیلی بر ربط در بازیابی اطلاعات. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۰(۱)، ۲۴۶-۲۶۸.

قهرمانی، محمدامین؛ و عبدالهی، بیژن (۱۳۹۲). بنیان‌های فلسفی و بررسی ارتباط بین هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی

پارادایم‌های تفسیری، انتقادی و علمی با روش‌شناسی و روش‌های مورد استفاده در این پارادایم‌ها. *مجله پژوهش*، ۴(۱)، ۵۲-۶۹.

کیانی، محمدرضا (۱۳۹۱). رویکردهای ارزیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات: پس‌زمینه و چشم‌انداز روبه‌رو. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۱۵(۲)، ۲۴۳-۲۵۸.

محسنی، حمید (۱۳۸۷). *مجموعه‌سازی و خدمات تحویل مدرک*. تهران: کتابدار.

نوکاریزی، محسن؛ و داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۵). تحلیلی بر الگوهای رفتار اطلاع‌یابی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۹(۲)، ۱۱۹-۱۵۲.

Allen, D., Karanasios, S., & Slavova, M. (2011). Working with activity theory: Context, technology, and information behavior. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 62(4), 776-788.

Bookstein, A. (1979). Relevance. *Journal of the American Society for Information Science*, 30(5), 269-273.

Borlund, P. (2003). The concept of relevance in IR. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 54(10), 913-925.

Boyce, B. R., Boyce, B. R., Meadow, C. T., Kraft, D. H., Kraft, D. H., & Meadow, C. T. (2017). *Text information retrieval systems*: Elsevier.

Budd, J. M. (2004). Relevance: Language, semantics, philosophy. *Library Trends*, 52(3), 447-462.

Case, D. O., & Given, L. M. (2016). *Looking for information: A survey of research on information seeking, needs, and behavior*. Uk: Emerald.

Crawford, K., & Hasan, H. M. (2006). Demonstrations of the Activity Theory framework for Research in IS. *Australasian Journal of Information Systems*, 13(2), 49-68.

Engeström, Y. (2006). Activity theory and expansive design. *Theories and practice of interaction design*, 3-23.

Fidel, R. (2008). Are we there yet?: Mixed methods research in library and information science. *Library & information science research*, 30(4), 265-272.

Fitzgerald, M. A., & Galloway, C. (2001). Relevance judging, evaluation, and decision making in virtual libraries: A descriptive study. *Journal of the American Society for Information Science and Technology, 52*(12), 989-1010.

Hasan, H., & Kazlauskas, A. (2014). Activity theory: Who is doing what, why and how. In H. Hassan (Ed.), *Being Practical with Theory: A Window into Business Research* (pp. 9-14). Wollongong, Australia: THEORI.

Hjørland, B. (2010). The foundation of the concept of relevance. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 61(2), 217-237.

Huang, X., & Soergel, D. (2013). Relevance: An improved framework for explicating the notion. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 64(1), 18-35.

Ingwersen, P. (1992). *Information retrieval interaction* (Vol. 246): Taylor Graham London.

James, W., & Blau, J. L. (1963). *Pragmatism and Other Essays*. USA: Washington Square Press,.

Järvelin, K. (2007). An analysis of two approaches in information retrieval: From

frameworks to study designs. *Journal of the American Society for Information Science and Technology,* 58(7), 971-986.

Johnson, R. B., Onwuegbuzie, A. J., & Turner, L. A. (2007). Toward a definition of mixed methods research. *Journal of mixed methods research, 1*(2), 112-133.

Kaptelinin, V. (2021). Activity Theory In *The encyclopedia of human computer interaction*.

Kumar, B., & Pavithra, S. (2010). Evaluating the searching capabilities of search engines and metasearch engines: a comparative study. *Annals of Library and Information Studies*, 57(2), 87-97.

Lucas, W., & Topi, H. (2002). Form and function: The impact of query term and operator usage on Web search results. *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, 53(2), 95-108.

Mizzaro, S. (1998). How many relevances in information retrieval? *Interacting with computers*, 10(3), 303-320.

Nardi, B. A. (1996). *Context and consciousness: Activity theory and human-computer interaction*: mit Press.

Saracevic, T. (1995). *Evaluation of evaluation in information retrieval.* Paper presented at the Proceedings of the 18th annual international ACM SIGIR conference on Research and development in information retrieval.

Saracevic, T. (2007). Relevance: A review of the literature and a framework for thinking on the notion in information science. Part II: Nature and manifestations of relevance. *Journal of the American Society for Information Science and Technology,* 58(13), 1915-1933.

Saracevic, T. (2012). *Research on relevance in information science: A historical perspective.* Paper presented at the Proceedings of the ASIS&T 2012 Pre-Conference on the History of ASIS&T and Information Science and Technology.

Scheffler, I. (2013). *Four pragmatists: A critical introduction to Peirce, James, Mead, and Dewey*. New York: Routledge.

Swanson, D. R. (1986). Subjective versus objective relevance in bibliographic retrieval systems. *The Library Quarterly,* 56(4), 389-398.

Vickery, A., & Vickery, B. C. (2005). *Information science in theory and practice*. Germany: Walter de Gruyter.

Wartofsky, M. W. (2012). *Models: Representation and the scientific understanding* (Vol. 48): Springer Science & Business Media.

West, C. L. (2011). *Teaching Middle School Jazz: An Exploratory Sequential Mixed Methods Study*.

Wilson, T. D. (2008). Activity theory and information seeking. *Annual Review of Information Science and Technology,* 42(1), 119-161.

An Analysis of the Pragmatist Approach to the Concept of Relevance in Information Retrieval

Mahdi Zeynali Tazehkandi*
Mohsen Nowkarizi
Hassan Behzadi
Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

Intruduction: The aim is to briefly describe the pragmatist philosophy and to explore and analyze the pragmatist approach to the concept of relevance in information retrieval.

Methodology: The article is a conceptual analysis that uses the Theory of Activity and literature review to explain what is happening in practice so that a person in need of information can solve his or her information needs. The theory of Activity is a comprehensive theory, by which the pragmatist approach of relevance concept is explained.

Findings: The system-oriented approach and the user-oriented approach have their origins respectively in the positivism and the hermeneutics. Only the studies on the evaluation of information retrieval (relevance) will be successful which have benefited both from the system-oriented approach and user-oriented one in studies in which all aspects of the relevance concept are considered. Pragmatists argued that a false dichotomy exists between two quantitative and qualitative approaches, and one may combine the two approaches so that the combination focuses on action. According to the pragmatic school, a document which is used is relevant. On the one hand, *A* can be considered relevant to task *1*, only if *A* can help a person to achieve his/her goal and answer his/her information needs. On the other hand, that document in terms of its facial and intrinsic features should be in accordance with the need of the person who needs information, accepted by the culture of the intended community and accessible for the individual who needs information. In other words, a document that actually meets information needs is actually relevant.

Conclusion: Relevance is a complex concept and various factors affect its final outcome. Hence, in spite of numerous studies on the concept of relevance, further research is needed on this subject. Finally, one can say that thinking of the philosophy of science is necessary to understand the concept of relevance according to whether the purpose of science is to describe what is actually happening and is easily visible to us, or science should explain what is not readily apparent, and to determine it.

Keywords: Relevance, Pragmatism, Information retrieval, Information seeking, Theory of activity theory

* . ma.zeynali@mail.um.ac.ir